سوسیالیسم امروز

۲۶

حزب سوسیالیست انقلابی ایران
SRPI

سردبیر: سلام زیجی S_zijji@yahoo.se

۲ دسامبر ۲۰۱۷ - ۱۱ آذر ۱۳۹۶

www.simroz.org

برابری زن و مرد، ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

از برنامه حزب سوسیالیست انقلابی

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسما و قانونا از همان حقوق و آزادی های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکشی زن و بیحقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملا از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد .

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت،

صفحه۲

به مناسبت زادروز انگلس

۲۸ نوامبر ۱۸۲۰

صفحه ۵

جایگاه مبارزه اقتصادی طبقه کارگر برای جنبش سوسیالیستی

صفحه ٦

چرا حزب سوسیالیست انقلابی برضرورت نیروی مسلح انقلابی تاکید میکند ؟

صفحه ۳

اسلام وتسلیم نقطه مقابل آزادیند قرآن را با زبان مادری بخوانیم

صفحه ۱۲

عواقب تنش میان عربستان سعودی و ایران

صفحه ۸

پیام محمود صالحی:برای آزادی باید جنگید!

صفحه ۱۱

بیانیه ۱۰٦- باز هم تاریخ آزادی رضا شهابی تغییر کرد!

صفحه ۱۱

پرسش و پاسخ:

چرا نمیتوان از کانال دخالت دولتهای دیگر یا اختلافات درون جناحی خود جمهوری اسلامی مسیر سرنگونی رژیم را طی کرد؟

صفحه ۹

بازتکثیر اطلاعیه دبیرخانه حزب

به احزاب و نیروهای اپوزسیون مترقی ، سوسیالیست، کارگری، سکولار و آزادیخواه

صفحه ۱٤

کارگران جهان متحد شوید!

بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند .

حزب سوسیالیست انقلابی ایران برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند. رئوس قوانین و اقداماتی که باید هم اکنون بفوریت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید عبارت است از :

۱ -اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است .

۲ -تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف. حق بی قید و شرط زنان به شرکت در انتخابات در کلیه سطوح و احراز و تصدی هر پست و مقام، اعم از سیاسی، اداری، قضایی، و غیره. لغو هر قانون و مقرراتی که حق زنان در شرکت برابر در حیات سیاسی و اداری جامعه را محدود میکند.

۳ -برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه. لغو کلیه تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارعاب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده .

٤ -برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای. شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان. لغو هر نوع محدودیت بر تصدی مشاغل و حرفه های مختلف توسط زنان. برابری کامل زن و مرد در کلیه امور مربوط به دستمزد، بیمه ها، مرخصی ها، ساعات و شیف کار، تقسیم کار و طبقه بندی مشاغل، ارتقاء شغلی، نمایندگی کارگران در سطوح مختلف. تصویب و اجرای مقررات و موازین ویژه در بنگاه ها برای تضمین ادامه کاری حرفه ای و شغلی زنان، نظیر ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار و وجود تسهیلات ویژه مورد نیاز زنان در محل کار. ١٦ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه ها .

تشکیل مراجع تشخیص و حکمیت در مورد برابری حقوق زن و مرد در اشتغال حرفه ای و محیط های کار اعم از دولتی و غیر دولتی و انتفاعی و غیر انتفاعی. تعقیب قانونی و مجازات سنگین بنگاه ها و مدیرانی که از اصل برابری مطلق زن و مرد در فعالیت حرفه ای تخطی کنند .

ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی که، با توجه به فشار یکجانبه کار خانگی و نگهداری از فرزندان بر زنان در شرایط کنونی، ورود زنان به فعالیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در خارج خانواده را تسهیل میکند .

٥ -لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متاهل، در داخل و خارج کشور، به میل و اراده خود. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت را مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح. ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو، خواهر و هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در قبال مرد تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه های دولتی و خصوصی. ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی زنان. ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با زنان در نهادها و موسسات اجتماعی. ممنوعیت قید جنسیت در آگهی های شغلی. حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیر آمیز نسبت به زنان از کتب و منابع درسی و متقابلا گنجاندن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد و نقد اشکال مختلف ستمکشی زن در جامعه. ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به زنان .

٦ -تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد .

(برگرفته از " یک دنیای بهتر" برنامه حزب سوسیالیست انقلابی ایران)

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

چرا حزب سوسیالیست انقلابی برضرورت نیروی مسلح انقلابی تاکید میکند ؟

بیژن کلهر

حزب سوسیالیست انقلابی ایران در سند مصوب که دارد به روشنی به علل ضرورت سازماندهی نیروی مسلح انقلابی برای مقابله با رژیم هار اسلامی و دیگر مخاطراتی که بی تردید سر راه مبارزه ما برای سرنگونی رژیم اسلامی حاکم بر ایران قرار دارد ، به این پرسش مهم پاسخ داده است. در این چهار چوب من نیز در حمایت از یک نیروی توده ای مسلح کارگران و زحمتکشان که لازم است تحت سیاستها و رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران سازماندهی شود به نکاتی اشاره میکنم.

در نگاه نخست وقتی به انقلابهای کشورهای مختلف نظری می اندازیم می بینیم که هیچ انقلابی علیه استبداد و حاکمیت سرمایه داران بدون قدرت مسلح توده ای نیروهای انقلابی به پیروزی نرسیده است. تجربه ایران هم نشان داد اگر در سال ۵۷ یک نیروی جدی سوسیالیستی مسلح با احزاب و سیاست رادیکال انقلابی و سوسیالیستی وجود میداشت جمهوری اسلامی نمیتوانست به آسانی با زور اسلحه خود را به آن انقلاب تحمیل نماید. ایا شرایط کنونی کشور ایران شرایط مناسبی برای سازماندهی مبارزه مسلحانه با تاکتیک صحیح و انقلابی می باشد؟ ایا اکنون در استانه شروع "مبارز مسلحانه" هستیم تا همراه با عرصه های مبارزه سیاسی توده ای و طبقاتی علیه نظام حاکم وارد عمل شویم؟و...

همه سوالات موجه ای هستند که بی تردید حزب سوسیالیست انقلابی به آن توجه دارد و در پایان سند مصوب خود نیز اعلام نموده است هر گاه تصمیم عملی در این زمینه بگیرد علنا اعلام خواهد نمود. اما صورت مسئله اکنون بر ضرورت آماده سازی چنین نیاز و ابزاری برای زمان مناسب خود است که نباید از ضرورت آن تردید داشت.

در حال حاظر لزومی نمی بینم وارد جزئیات بیشتراین مسئله بشوم. اما پای فشاری به حقانیت اینکار و ضرورت ایجاد نیروی مسلح الزامیست. بنظر من ضروری است جوانان زیادی از همین امروز با حزب سوسیالیست انقلابی تماس بگیرند و برای سازماندهی خود در این عرصه اعلام آمادگی نمایند. دست بردن به این عرصه الزامی است چون ما دشمن خود را، که دشمن کارگر و زن و آزادی است بخوبی میشناسیم و میدانیم که دارای چه ظرفیتهای وحشیانه ای در کشتار و بی رحمی و خشونت و خونریزی است.

رفقا! همه خوب می دانند که جمهوری فاشیست اسلامی در طی چهل سال نه اینکه خواست بر حق مردم را نداده ، بلکه با زبان کشتار و زندانی کردن و تفنگ جواب هر خواست کارگری را داده است. با زور اسلحه و قانون اسلامی اش زنان را به حاشیه رانده است و ازادی و آرزوی نسل جوان را به تباهی کشانده و میلیونها انسان را به فقر و بیکاری و اعتیاد و غیره مواجه کرده تا بتواند به حاکمیت نظامی-اسلامی و قلدری خود ادامه دهند.

با اعدام بی گناهان و تیرباران فعالین نیروهای سیاسی در زندانهای مخوف خود به کشتار پرداخته است، پس ما در ایران با رژیم معمولی سرو کار نداریم و آنهای هم که فکر میکنند با زبان خوش میشود این رژیم را انداخت ٤٠ سال تجربه نشان داد آنها هم به خود و هم به مردم دروغ گفته اند. همه تاریخ این رژیم ،از کشتار دسته جمعی در سال ٦١ تا ٦٧ ، و از سال ٥٧ تا امروز گویای سیستم حاکمیت جنایتکارانه یک رژیم تا دندان مسلح است، و این واقعیتها، واقعیت ضرورت سازماندهی مبارزه جدی توده ای ، کارگری ، سیاسی و اجتماعی را تاکید میکند و همچنین برمبرمیت تلاش برای شکل دادن به خلا مهم دیگر، یعنی نیروی مسلح انقلابیون و شروع مبارزه قهرآمیز علیه چنین نظام وحشی را در مقابل ما قرار داده است. بدون چنین اقدام و تلاشی جمهوری اسلامی همچنان باقی می ماند و همچنان به جنایت و کشتار و سرکوب و دزدی هایش ادامه خواهد داد.

اتحاد و همبستگی مردم آزاده را در ایران مشاهده کردیم که چگونه به یاری همنوعان زلزله زده خود شتافتند و با این همبستگی بار دیگر روی سیاه رژیم سرمایه داران اخوندیسم را سیاه تر کردند. اگر همین مردم رنج دیده و تلاش همگانی در میدان نبرد با رژیم اسلامی و از جمله در جهت سازماندهی نیروی مسلح خود که حامی ومدافع تودها و آزادی و رفاه و امنیت آنها است به تحرک در بیاوریم، میتوانیم این ضرورت مهم صحنه سیاست ایران و مبارزه برای سرنگونی رژیم را به یک واقعیت تبدیل کرده و به آینده پیروزی خود بر رژیم توحش اسلامی و تروریست بیش از پیش خوشبین تر و امیدوارتر بود .

پیش به سوی نیروی مسلح انقلابی
زنده و پایدار باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران
مرگ بر جمهوری اسلامی

عواقب تنش میان عربستان سعودی و ... ←

وقوع جنگ بین ایران و عربستان در این دوره را نمیتوان با جنگ دوره عراق و ایران مقایسه کرد که اساسا از راه زمینی شکست و پیروزی بر یکدیگر را رقم می زدند. امروز ابعاد آتش ویرانگر هوائی و دریائی و وجود صلاحهای کشتار جمعی و در دوره پر آشوب منطقه میتواند جنگ میان دو قدرت اسلامي يكي شيعه و ديگري سني را به اتشی تبدیل کند که کل خاورمیانه را در آتش خود فرو ببرد. و برنده اي نيز نخواهد داشت ؟!

بي شك همه ماميدانيم كه اگر جنگي صورت بگيرد دولتهای عربستان و ایران راه به جايي نخواهند برد و بزرگ ترين و خونين ترين جنگ سه دهه گذشته خواهدبود و جنایت عظیمی میتواند علیه شهروندان بی دفاع طرفین و منطقه به وسیله هر دو دولت اسلامی رخ بدهد.

در هر صورت مقابله با این مخاطرات و تلاش برای پیشگیری از جنگ و دورنمای هولناک که آن دولتهای ضد مردمی در منطقه تدارک دیده و میبینند وظیفه همه شهروندان و نیروهای مترقی است، چرا که بازنده هر نوع جنگی خود شهروندان و نیروهای مترقی خواهند بود. تنها خود این دولتهای ضد مردمی هستند که چه با شکست و چه با پیروزی در مقابل هم خود را در مقابل شهروندان کشور تحت سلطه خود پیروز و قلدرتر و هار تر خواهند یافت.

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

به مناسبت زادروز...

در حالی که مارکس و انگلس ایده‌ی فرآیند بی‌وقفه‌ی تحوّل هگل را حفظ کردند، اما نگره‌ی از پیش مفروض ایدئالیستی را رد کردند و با رجوع به زندگی]مادی[مشاهده کردند که این تحول ذهن نیست که تحول یا تکامل طبیعت را توضیح می‌دهد، بلکه برعکس، تحول ذهن را باید از طبیعت و ماده استنتاج کرد...

برخلاف هگل و سایر هگلیان، مارکس و انگلس ماتریالیست بودند. آن دو با مدّ نظر قرار دادن جهان و بشریت به لحاظ ماتریالیستی پی بردند که از آنجایی که ماده مبنای تمام پدیده‌های طبیعی است، بنابراین تحول و توسعه‌ی جامعه‌ی انسانی مشروط است به تکامل نیروهای مادی یا همان نیروهای تولیدی. مناسباتی که انسان‌ها در تولید چیزهایی که برای ارضای نیازهای انسانی ضروری است، با یکدیگر در آن دخیل‌اند، مبتنی بر تکامل نیروهای تولیدی است. و در این مناسبات تفسیر تمام پدیده‌های حیات اجتماعی، آرمان‌های انسانی، ایده‌ها و قوانین وجود دارد. تکامل نیروهای تولید موجب ایجاد مناسبات اجتماعی مبتنی بر مالکیت خصوصی می‌شود اما اکنون ما شاهد آنیم که همین تکامل یکسان نیروهای تولید، آن‌ها را از اکثریت مالکیت-شان محروم و آن را در دستان اقلیتی ناچیز متمرکز می‌کند. تکامل نیروهای تولید مالکیت یا اساس نظم اجتماعی مدرن را نابود می‌سازد و خود در راستای همان هدفی است که سوسیالیست‌ها برای خویش وضع کرده‌اند. تمام کاری که سوسیالیست‌ها باید انجام دهند تحقق بخشیدن به نیرویی اجتماعی است که به لطف موقعیتش در جامعه‌ی مدرن، نقش در جامه‌ی عمل پوشاندن به سوسیالیسم و به ارمغان آوردن آگاهی از منافع و وظایف تاریخی‌اش برای این نیروست. این نیرو، پرولتاریاست. انگلس با پرولتاریا در منچستر لندن، مرکز صنعت انگلستان، آشنا شد، جایی که در 1842 در آنجا سکونت یافت و وارد خدمت به شرکتی تجاری شد که پدرش در آن سهامدار بود.

انگلس در آنجا نه تنها در دفتر کارخانه کار می‌کرد بلکه در باب آلونک-هایی که کارگران در آن‌ها چپانده می‌شدند نیز کنجکاو بود و فقر و فلاکت آن‌ها را با چشمان خود می‌دید. با این حال خود را به مشاهدات شخصی محدود نکرد. او تمام آنچه را در مورد وضع طبقه‌ی کارگر بریتانیا تا پیش از آن منتشر شده بود، مطالعه کرد و با دقت به مطالعه‌ی همه‌ی اسنادی رسمی‌یی پرداخت که به آن‌ها دسترسی داشت. ماحصل این مطالعات و مشاهدات کتاب بود که در 1845 انتشار یافت: وضع طبقه‌ی کارگر در انگلستان. ما پیشتر به خدمت اساسی انگلس با نوشتن کتاب وضع طبقه‌ی کارگر در انگلستان اشاره کردیم. حتی پیش از انگلس، افراد زیادی رنج‌های پرولتاریا را توصیف و به ضرورت کمک به آن اشاره کرده بودند. انگلس نخستین کسی بود که گفت پرولتاریا نه تنها طبقه‌ای رنج‌کشیده است بلکه در واقع شرایط اقتصادی فلاکت‌بار پرولتاریا است که به نحو مقاومت‌ناپذیری آن را به پیش می‌راند و مجبور به مبارزه برای رهایی غایی خویش می‌سازد. و پرولتاریای مبارز به خود یاری خواهند رساند. جنبش سیاسی طبقه‌ی کارگر به صورت ناگزیر منجر به این می‌شود که کارگران متوجه شوند تنها رهایی‌شان در سوسیالیسم است. از دیگر سو، سوسیالیسم تنها زمانی تبدیل به نیرو می‌شود که هدف مبارزه‌ی سیاسی طبقه‌ی کارگر شود. چنین بودند ایده‌های اصلی انگلس در وضع طبقه‌ی کارگر در انگلستان، ایده‌هایی که اکنون تمام پرولترهای مبارز و آگاه اتخاذشان کرده‌اند اما در آن زمان به کلی بدیع بودند. این ایده‌ها در کتابی به کار گرفته شدند با سبکی جذاب و مملوء از اصیل‌ترین و متحیرکننده‌ترین تصاویر از فلاکت پرولتاریای انگلستان. کتاب کیفرخواست هولناکی از سرمایه‌داری و بورژوازی بود و تأثیری عمیق بر جای گذاشت. از کتاب انگلس در همه‌جا به عنوان ارائه‌گر بهترین تصویر از وضعیت پرولتاریای مدرن نقل قول می‌شد. و به واقع، نه پیش از 1845 و نه پس از آن چنین تصویر گیرایی از فلاکت طبقه‌ی کارگر دیگر پدیدار نشد.

انگلس تا پیش از ورود به انگلستان سوسیالیست نشد. او در آن زمان در منچستر ارتباط‌هایی با افراد فعال در جنبش کارگری انگلستان برقرار کرد و شروع به نوشتن آثاری برای انتشاراتی‌های سوسیالیست انگلستان نمود. در 1844، در راه بازگشتش به آلمان، در پاریس با مارکس، کسی که پیشتر به او نامه می‌نوشت، آشنا شد. در پاریس، مارکس تحت تأثیر سوسیالیست‌های فرانسه و زندگی فرانسوی سوسیالیست شده بود. دو رفیق در پاریس مشترکاً کتاب خانواده‌ی مقدس یا نقد نقادی نقادانه را نوشتند. این کتاب که یک سال پیش از وضع طبقه‌ی کارگر در انگلستان منتشر شد و بخش اعظمی از آن را مارکس نوشت، حاوی بنیان‌های سوسیالیسم ماتریالیستی انقلابی است که ایده‌های اصلی آن را به تفصیل در بالا توضیح دادیم. «خانواده‌ی مقدس» لقبی شوخ‌طبعانه برای برادران فیلسوف بائر و مریدانشان است. این آقایان در باب نقادی‌یی موعظه می‌کردند که ورای تمام واقعیت، احزاب و سیاست قرار داشت و تمام فعالیت‌های عملی را رد می‌کرد و تنها «به نحوی نقادانه» در مورد جهان پیرامون و وقایع جاری در آن تأمل می‌کرد. این آقایان، برادران بائر، به پرولتاریا به عنوان توده‌ای نخراشیده از بالا نگاه می‌کردند. مارکس و انگلس با قوت علیه این گرایش مضرّ و بی‌معنا مخالفت کردند. آن دو به نام انسان واقعی- کارگری که به دست طبقات حاکم و دولت لگدمال شده- نه تنها خاستار تأمل بلکه خواهان مبارزه برای نظم بهتر جامعه بودند. آن‌ها البته پرولتاریا را به مثابه‌ی نیرویی می‌دیدند که توانایی این مبارزه را دارد و نقش در آن است. حتی پیش از انتشار خانواده‌ی مقدس، انگلس «مقالات انتقادی در باب اقتصاد سیاسی» را در کتاب سال انگلستان-فرانسه مارکس و روگه منتشر کرده بود که در آن به بررسی پدیده‌های اساسی نظم اقتصادی معاصر از منظری سوسیالیستی پرداخت و آن‌ها را پیامدهای ضروری حکمرانی مالکیت خصوصی در نظر گرفت. ارتباط با انگلس بی‌شک عامل مهمی برای تصمیم مارکس به مطالعه‌ی اقتصاد سیاسی بود، علمی که در آن آثار او انقلابی حقیقی بر پا کرده‌اند.

از 1845 تا 1847 انگلس در بروکسل و پاریس زندگی کرد و کار علمی‌اش را با فعالیت‌های عملی در میان کارگران آلمانی در بروکسل و پاریس ترکیب نمود. در اینجا مارکس و انگلس با لیگ مخفی کمونیست‌های آلمان ارتباط برقرار کردند که آن‌ها را مأمور تبیین کامل اصول اساسی سوسیالیسمی کرد که طرحش را در انداخته بودند. بنابراین نتیجه‌ی آن، مانیفست معروف حزب کمونیست مارکس و انگلس بود که در 1848 انتشار یافت. این جزوه‌ی کوچک به کل مجلد کتاب‌ها می‌ارزد: تا به امروز روح مانیفست به کل پرولتاریای مبارز و سازمان‌یافته‌ی جهان متمدن الهام می‌بخشد و راهنمایی‌شان می‌کند. انقلاب 1848، که نخست در فرانسه آغازید و سپس به سایر کشورهای اروپای غربی سرایت یافت، مارکس و انگلس را به کشور زادگاهشان بازگرداند. در اینجا، در پروس راینی، آن دو مسئول انتشار نوئه راینش زیتونگ دموکرات در کلن شدند. این دو رفیق قلب و روح تمام آرمان‌های انقلابی-دموکراتیک در پروس راینی بودند. آن‌ها تا آخرین سنگر در دفاع از آزادی و منافع مردم در برابر نیروهای ارتجاع جنگیدند. بعدها، همان‌طور که می‌دانیم، دست بالا را پیدا کردند. نوئه راینش زیتونگ توقیف شد. مارس که در طول تبعیدش شهروندی پروس خود را از دست داده بود، از کشور اخراج شد؛ انگلس در خیزش مردمی مسلحانه شرکت جست و برای آزادی در سه نبرد جنگید و پس از شکست شورشیان از طریق سوییس به لندن گریخت.

ادامه در صفحه ۱۱

به مناسبت زادروز انگلس

۲۸ نوامبر ۱۸۲۰

ولادیمیر ایلیچ

دریغا]، چه چشمه‌ی جوشانی از خِرد درخشید و محو شد

]افسوس] چه قلبی از تپش باز ایستاد! (برگرفته از شعر نکراسوف با نام «به یاد دوبرولیوبف(«

فردریش انگلس به تاریخ 5 اوت 1895 در لندن از دنیا رفت. انگلس پس از دوست دیرینش کارل مارکس (که در 1883 در گذشته بود) عالی‌ترین پژوهشگر و آموزگار پرولتاریای مدرن در کل جهان متمدّن شمرده می‌شد. از زمانی که دست سرنوشت کارل مارکس و فردریش انگلس را کنار هم نشاند، این دو یار همیشگی کار مادام‌العمر خود را وقف هدفی مشترک کردند. و از این رو، در جهت فهم کاری که انگلس برای پرولتاریا کرده، باید تصوّر واضحی در باب اهمیت آموزه‌ها و آثار مارکس برای انکشاف جنبش طبقه کارگر معاصر داشت. مارکس و انگلس نخستین کسانی بودند که ثابت کردند طبقه‌ی کارگر و مطالباتش نتیجه‌ی ضروری نظام اقتصادی حاضر هستند که همراه با بورژوازی به ناگزیر پرولتاریا را خلق می‌کند و سازمان می‌دهد. آن دو نشان دادند این مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریای سازمان‌یافته است که بشریت را از دست شیاطینی که اکنون منکوبش می‌کنند، رها خواهد کرد، نه تلاش‌های صادقانه‌ی افرادی والامنش. مارکس و انگلس در آثار علمی خود نخستین افرادی بودند که توضیح دادند سوسیالیسم زاییده‌ی فکرخیالبافان نیست بلکه غایت نهایی پیامد ضروری تکامل نیروهای تولید در جامعه‌ی مدرن است. تمام تاریخ مکتوب بشر تا کنون تاریخ مبارزه‌ی طبقاتی، تاریخ توالی حکمرانی و پیروزی طبقات اجتماعی معیّن بر سایرین بوده است. و همین وضع ادامه خواهد یافت تا زمانی که بنیان‌های مبارزه و سلطه‌ی طبقاتی- مالکیت خصوصی و هرج‌ومرج تولید اجتماعی- ناپدید شوند. منافع پرولتاریا در گرو نابودی این بنیان‌هاست و بنابراین، مبارزه‌ی طبقاتی آگاهانه‌ی کارگران سازمان‌یافته مستقیماً باید علیه این مبانی به جریان افتد. و هر مبارزه‌ی طبقاتی]بی‌شک[مبارزه‌ای سیاسی است.

اکنون تمام پرولتاریایی که برای رهایی خود مبارزه می‌کنند، این ایده‌های مارکس و انگلس را اتخاذ کرده‌اند. اما زمانی که در دهه‌ی 1840 این دو یار جاودان سهمی در آثار سوسیالیستی یافتند و وارد جنبش‌های اجتماعی عصر خود شدند، آن دو یقیناً بدعت‌گذار بودند. در آن هنگام افراد بسیاری وجود داشتند، بااستعداد و بی‌استعداد، صادق و ریاکار، که جذب مبارزه برای آزادی سیاسی علیه خودکامگی پادشاهان، پلیس و روحانیون شدند اما ناتوان از تشخیص تقابل میان منافع بورژوازی و پرولتاریا بودند. این افراد ایده‌ی کنش کارگران را به مثابه‌ی یک نیروی اجتماعی مستقل در نظر نمی‌آوردند. از سوی دیگر، خیالبافان زیادی از جمله برخی نوابغ وجود داشتند که می‌پنداشتند تنها مجاب کردن حاکمان و طبقات حاکم در مورد سرشت نابرابر نظم اجتماعی معاصر ضرورت دارد و آنگاه برقراری صلح و رفاه کلی در جهان خاکی آسان خواهد بود. آن-ها خواب سوسیالیسمی فارغ از مبارزه را می‌دیدند. در نهایت، تقریباً تمام سوسیالیست‌های آن زمان و دوستان طبقه‌ی کارگر به طور کلی پرولتاریا را تنها به مثابه‌ی یک زخم (ulcer) در نظر می‌گرفتند و با وحشت نظاره‌گر گسترش آن همراه با گسترش صنعت بودند.

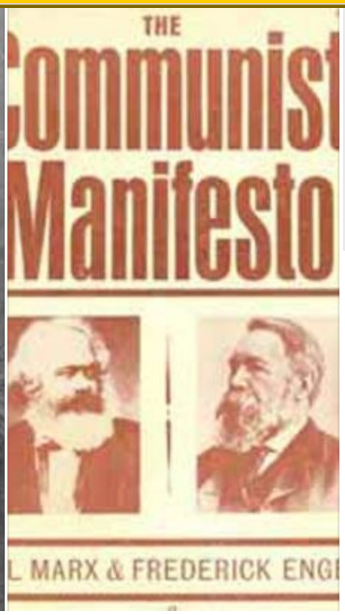

بدین ترتیب، همه‌ی آن‌ها در پی وسایلی جهت متوقف کردن «چرخ تاریخ» می‌گشتند. مارکس و انگلس سهمی در ترس کلی از انکشاف پرولتاریا نداشتند؛ بالعکس، تمام دلگرمی‌شان رشد پیوسته‌ی آن بود. هر چه پرولتاریای بیشتری وجود داشته باشد، قدرتشان به عنوان طبقه‌ای انقلابی افزون می‌شود و سوسیالیسم امکان بیشتری می‌یابد و زمان تحققش نزدیک‌تر می‌گردد. بنابراین شاید بتوان خدماتی را که مارکس و انگلس به طبقه‌ی کارگر کردند در چند کلمه بیان کرد: آن‌ها به طبقه‌ی کارگر آموختند خود را بشناسد و به خودآگاهی برسد و علم را جایگزین خیالبافی کردند.

به همین دلیل است که نام و زندگی انگلس باید برای تمام کارگران شناخته شده باشد. به همین سبب است که در این مجموعه مقالات هدف اصلی همانند سایر آثار منتشره‌ی ما، برانگیختن آگاهی طبقاتی در کارگران روسیه است، ما باید کلیاتی از زندگی و آثار فردریش انگلس، یکی از دو آموزگار کبیر پرولتاریای مدرن را بیان داریم. انگلس به سال 1820 در بارمن، ایالت راین پادشاهی پروس به دنیا آمد. پدرش کارخانه‌دار بود. در 1838، انگلس بدون آنکه دوران دبیرستان خود را به پایان بَرد، به اجبار شرایط خانوادگی به عنوان کارمند وارد موسسه‌ای تجاری در بارمن شد. امور تجاری مانع از آن نشد که انگلس آموزش علمی و سیاسی خود را کنار نهد. احتمالاً او در هنگام دبیرستان از خودکامگی و استبداد بوروکرات‌ها منزجر بوده است. مطالعه‌ی فلسفه وی را پیشتر برد. در آن زمان، آموزه‌های هگل بر فلسفه‌ی آلمان استیلا داشت و انگلس پیرو هگل شد. هرچند خود هگل از دولت خودکامه‌ی پروس تمجید و به عنوان استاد در دانشگاه برلین به آن خدمت می‌کرد اما آموزه‌های هگلی انقلابی بودند. باور هگل به خرد انسان و حقوق او و تز بنیادین فلسفه‌ی هگل مبنی بر اینکه جهان دست‌خوش فرآیند پیوسته‌ی تغییر و تحول است، برخی از پیروان فیلسوف آلمانی را- کسانی که وضعیت موجود را نمی‌پذیرفتند- به این ایده رساند که مبارزه علیه این وضعیت، مبارزه در برابر شرّ موجودِ معیوب و متداول همچنین ریشه در قانون کلی تحوّل بی‌وقفه دارد. اگر همه‌چیز تحوّل یابند، اگر یک نهاد جای خود را به نهادی دیگر دهد، چرا باید خودکامگی پادشاه پروس یا تزار روسیه، ثروت‌اندوزی اقلیتی ناچیز به بهای اکثریتی عظیم، یا سلطه‌ی بورژوازی بر مردم، برای همیشه ادامه داشته باشد؟ فلسفه‌ی هگل از تحول ذهن و ایده‌ها سخن می‌گفت و فلسفه‌ای ایدئالیست بود. این فلسفه از تحول ذهن تحول طبیعت، انسان و مناسبات انسانی اجتماعی را استنتاج می‌کرد.

ادامه در صفحه ٤ ←

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

جایگاه مبارزه اقتصادی طبقه کارگر برای جنبش سوسیالیستی

سلام زیجی

از نظر ما به عنوان یک حزب سوسیالیستی وهمچنین از نظر جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر مبارزه اقتصادی طبقه کارگر یک رکن مهم مبارزه طبقاتی و عرصه سرنوشت سازی برای پیشروی جنبش ما محسوب میگردد. یک جنبش رادیکال کارگری با استراتژی سرنگونی دولت و طبقه حاکمه و همینطور یک حزب کمونیستی و کارگری نیز، اگر حزب آن طبقه باشد، و استراتژی و هدفش سرنگونی جمهوری اسلامی و به زیر کشیدن طبقه حاکمه و پایان دادن به استثمار وحشیانه ی دولت و طبقه حاکمه است، نمیتواند به مبارزه اقتصادی طبقه لاقید باشد! تلاش برای افزایش حداقل دستمزد و مقابله با یورش گسترده اقتصادی رژیم هار اسلامی علیه دها میلیون کارگر و خانواده و فرزندان آنها بخش مهمی از این مبارزه است.

برعکس جریانات راست سندیکالیستی-رفورمیستی، عرصه مبارزه اقتصادی برای جنبش سوسیالیستی ما عرصه تفکیک ناپذیری از کل مبارزه سیاسی-اجتماعی- طبقاتی طبقه کارگر برای رسیدن به اهدافش است. ضمن این که عرصه ای مستقیم بر سر بهبود زندگی و کسب معیشت شایسته انسان و به این اعتبار عرصه ی"مستقلی" میباشد، اما به هیچ وجه قابل تفکیک نیست با عرصه مبارزه سیاسی و اجتماعی علیه جمهوری اسلامی و طبقه حاکمه. برای نظام سرمایه داری و جمهوری اسلامی به عنوان دولت آن طبقه نیزوقتی میخواهند در کنار سود آوریهای روز افزون و بی حد و حسر و "اختلاسهای" بیشمار میلیاردی دستمزد کارگران را، یعنی سازندگان و تولید کنندگان واقعی زندگی اجتماعی و ثروتهای افسانه ای طبقه بورژوا و دولت، به پائین ترین سطح ممکن کاهش دهند، و همزمان بیکاری و فقر گسترده را به کارگر تحمیل میکنند، و دها اقدام مشابه، بدون تردید از راه این یورشها و اعمال سیاست اقتصادی خشن و بی رحمانه ی خود بطورآگاهانه هدفهای کاملا سیاسی –اجتماعی -طبقاتی، از جمله ایجاد اخلال و ممانعت در شکل گیری همبستگی طبقاتی کارگر، ممانعت از تشکل و تحزب یابی او، ایجاد تفرقه "صنفی"، بکار گیری حربه دستمزدهای متفاوت در بخشهای مختلف کارگری، ایجاد رقابت بین کارگر شاغل و بیکار، گسترش نیروی ارزان کارگر بیکار، اعمال نابرابری زن و مردم کار مذهبی و بسیج گیری و جاسوسی کردن در صفوف کارگران، تلاش برای سلب قدرت از اعتصاب و اعتراض طولانی مدت میلیونی طبقه کارگر علیه خود و بلاخره به هدف تداوم نظام غیر انسانی کار مزدی و سود بری بدون وجود خطر به مصاف طلبیده شدنش از جانب طبقه کارگر و احزاب آن طبقه را دنبال میکند.

از اینرو برای دولت و بورژوازی نیز یک هدف محوری از "مبارزه اقتصادی" و تحمیل فقر و گرسنگی مستمر و یورش اقتصادی به اکثریت جامعه، یعنی کارگران، به منزله جاده صاف کن یورش سیاسی خود و تضعیف موقعیت طبقاتی و قدرت مبارزه اتی طبقه کارگر است. کارگر گرسنه و مایوس و مستاصل و غیر متحد و بدون حزب و تشکل سوسیالیستی هزار بار هم اعتراض و اعتصاب و شورش کند راه به جای نخواهد برد. اینرا جمهوری اسلامی ۳۹ سال است تجربه کرده است و سودش را برده است و از آن درس گرفته است. چپ و جامعه و جنبش سوسیالیستی- کارگری نیز که همواره آوار ویرانگر آنرا با گوشت و پوست و خون خود تجربه کرده است موظف است از آن درس بگیرد. از هیاهوی سطحی- پوپولیستی– خرد بورژوائی- و"کارگر گرائی" و "انقلاب انقلاب" کردنهای روشنفگرمابانه و بی ربط به واقعیت عمق مبارزه و جدالهای سخت تناسب قوای به شدت نابرابر طبقاتی برخی از احزاب چپ "خارج کشوری" وسنت سیاسی پوپولیستی و دنباله روانه آنها جدا باید دوری جست. چرا که اینها هنوز در سال ۵۷ ایران فریز شده اند.

از خود فریبی باید پرهیز نمود، به تناسب قوای واقعی و موانعهای سر راه مبارزه و دست بردن به مکانیزمها، سیاستها و پراکتیک انقلابی که میتواند مسیر متفاوتر از تجربه ناکام تاکنونی در مقابل جنبش قرار دهد باید متکی شد. یک رکن مهم این درس گرفتن سازماندهی فوری صف مستقل طبقاتی و مستقیما ضد سرمایه داری، از جمله در عرصه مبارزه اقتصادی طبقه با پرچم و اهداف روشن سوسیالیستی، داشتن حزب و رهبری انقلابی و اهل عمل و امروزی بودن است.

تفاوتهای محوری سیاستها و تلاشهای ما نسبت به گرایش راست و رفرمیستی درون طبقه کارگر که تحت هژمونی بخشهای از خود طبقه حاکمه قرار دارند از همینجاها نشات میگیرد. بر عکس گرایشات رفرمیستی "اصلاح طلبانه" و "قانون گرایانه" ما افق و منفعت کل طبقه را مد نظر داریم. مبارزه برای تامین معیشت و شرایط اقتصادی بهتر را برای گسترش مبارزه میخواهیم نه تن دادن به بخشی از دشمن طبقاتی خود و هم رنگ شدن با آنها. ما خواهان نابودی سیستم حاکم ضد انسانی هستیم نه خواهان اصلاح آن برای تداوم سرکوب و استثمار. ما همواره بر خود آگاهی و منفعت طبقاتی کل طبقه تاکید مستمر داریم. میهن، مذهب، ملیت، خاک، بحران اقتصادی، ورشکستی کارخانه، شرایط جنگی، تمامیت ارضی و غیره را از بیخ پوچ و هذیانگوئی و حربه های دروغ و نیرنگ طبقه سرمایه دار و جنبشهای ارتجاعی و دست راستی و همسو و هم منفعت با حاکمیت ارزیابی میکنیم که علیه طبقه کارگر و جامعه در جهت تداوم حاکمیت خود از آن خرافات بهره میگیرند. مانند دیگر گرایشات راست و رفرمیست تحت فشار و تحت تاثیر سیاستها و نقشه و مطالبه نهادهای "کارگری"–دولتی مانند

←

زنده باد سوسیالیسم!

جایگاه مبارزه اقتصادی ...

خانه کارگر و شورای اسلامی و انجمن صنفی ها و شورایعالی کار نه تنها در میدان بازی تعریف شده دولت و کارفرما و قانون کار ضد کارگری باقی نمی مانیم و خود را به "صنف خود" محدود نمیکنیم، برعکس رمز هر قدم پیشروی طبقه کارگر را عبور از کلیه این موانعهای سازماندهی شده ضد کارگری از سوی سرمایه داران و دولت ضد کارگری اسلامی می دانیم.

همین امروز در عرصه مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد سال ۹۷، که از نظر من نباید کمتر از ٤ تا ٥ میلیون تومان باشد، به ترفندها و شاخصهای بورژوائی حول "تعین حداقل دستمزد" نیز آگاه بوده وهیچ توهمی نسبت به عاملین آن در دولت و دیگر نهادهای دولتی نداریم. به جای اتکا به نهادهای دولتی مانند خانه کارگر و شوراهای اسلامی و انجمن صنفیها و شورایعالی کار که همگی در تلاش هستند تا یکبار دیگر دستمزد جنایتکارانه مورد نظر خود را به طبقه کارگر ایران تحمیل نمایند، به مکانیزم مبارزاتی جاری درون طبقه متکی هستیم و اهمیت فوق العاده ای برای تشکلهای توده ای مستقل از دولت و نهادهای وابسته به آن، از جمله ایجاد مجمع عمومی منظم و شوراهای کارگری و همچنین نهادها وسندیکاهایی که متکی به این شکل از تشکل یابی توده ای هستند و نمایندگان منتخب و مستقیم طبقه در مراکز مختلف را برای کشمکش بر سر افزایش دستمزد کارگران انتخاب میکنند قائل هستیم.

فکر میکنیم تنها مکانیزم قدرت یابی و اتحاد طبقه برای تحمیل مطالبه واحد خود از جمله مطالبه حداقل دستمزد از این عقب نشاندن طبقه بورژوا از یک مجرا میگذرد نه از کانال این و سنگر و تصرف سنگری دیگر از آن ماده بی سر و ته در قانون جانب خود قلمداد میکنیم، هدف کار ضد کارگری رژیم و یا تامین تناسب قوای مناسبتر برای بازی کردن در میدان بازی آنها، تعرض نهائی به جمهوری که کاملا یکجانبه و زورگویانه اسلامی و سرمایه داری است. برای تحمیل تصمیم از قبل گرفته شده خودعلیه سرنوشت و حق و اجتماعی طبقه کارگر در هم تنیده حقوق اولیه ٤٠ تا ٥٠ میلیون و غیر قابل تفکیک از همدیگر کارگر و اعضای خانواده هستند. کسب آمادگی برای خیز کارگری، به دروغ تحت عنوان برداشتن متحدانه و قدرتمند طبقه "مذاکره سه جانبه"، یکبار دیگر و حزب کمونیستی و سوسیالیستی در صدد تحمیل زندگی پر او به سوی کسب قدرت سیاسی مشقات ٤ تا ٥ برابر زیر خط فقر به طبقه کار ایران هستند.

مبارزه بر سر کسب دستمزد مطلوبتر نیز مانند عرصه های دیگر مبارزه طبقاتی به معنی مطالبه حداقل دستمزد از این عقب نشاندن طبقه بورژوا از یک مجرا میگذرد نه از کانال این و سنگر و تصرف سنگری دیگر از آن ماده بی سر و ته در قانون جانب خود قلمداد میکنیم، هدف کار ضد کارگری رژیم و یا تامین تناسب قوای مناسبتر برای بازی کردن در میدان بازی آنها، تعرض نهائی به جمهوری که کاملا یکجانبه و زورگویانه اسلامی و سرمایه داری است. برای تحمیل تصمیم از قبل گرفته شده خودعلیه سرنوشت و حق و اجتماعی طبقه کارگر در هم تنیده حقوق اولیه ٤٠ تا ٥٠ میلیون و غیر قابل تفکیک از همدیگر کارگر و اعضای خانواده هستند. کسب آمادگی برای خیز کارگری، به دروغ تحت عنوان برداشتن متحدانه و قدرتمند طبقه "مذاکره سه جانبه"، یکبار دیگر و حزب کمونیستی و سوسیالیستی در صدد تحمیل زندگی پر او به سوی کسب قدرت سیاسی مشقات ٤ تا ٥ برابر زیر خط فقر به طبقه کار ایران هستند. هدف هر گرایش پیشرو سوسیالیستی و هر حزب سوسیالیستی واقعی کارگری از بدین ترتیب جنبش ما در عین جمله حزب ما در شرکت فعالمان این که با تمام قدرت برای رفاه و در تمام عرصه های مبارزه شرایط زندگی بهتر و دستمزد طبقاتی از جمله عرصه مبارزه بالاتر مبارزه میکند اما این را اقتصادی و کسب دستمزد هرگز ایستگاه آخر مبارزه مناسبتر برای طبقه کارگر ایران طبقاتی و پایان جدال نمیداند. در است. در حالی که گرایشات بطن مبارزه ی اقتصادی نیز راست سندیکالیستی-رفرمیستی و هدف ما نه حفظ کلاه خود و در جریانات متعهد به قانون ضد فکر صنف خود بودن که اتحاد کارگری رژیم اسلامی درست بر بیشتر طبقه، کسب موقعیت بهتر و عکس، ضمن تلاش برای اندک آماده تر کردن ملزومات مطلوبتر بهبودی در موقعیت اقتصادی برای کل جنبش و طبقه را به هدف کارگر، اما هرگز برای پایان دادن سرنگونی کلیت نظام حاکم سرمایه به اصل ستم و حاکمیت ستمکاران و داری و برقراری یک نظام به خطر افتادن موقعیت دولت و سوسیالیستی مد نظر داریم. کارفرما اقدام نکرده و نخواهند کرد.

چهار میلیون تومان حداقل دستمزد

طبقه کارگر ایران و بطریق اولی رهبران عملی و پیشرو جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر برعکس گرایشات بازدارنده، اگر چه از هر امکان "قانونی"استفاده خواهند کرد، اما واقف هستند که به هیچ عنوان مبارزه اش متکی به قوانین اعلام شده دولت و سرمایه داران نیست، در این چهار چوب باقی نمیماند و نمیخواهد و نباید به نسبت نفوذی که دارد کارگران را به بازی کردن در میدان تعریف شده بورژوازی راضی نگاه دارد. اگر برای دستمزد بیشتر و شرایط بهتر معیشتی نیز تلاش میکنند همچنان به اهداف، آگاهی و افق فراتر از اصلاحات در چهار چوب نظام طبقاتی حاکم مسلح است. "هم رفورم و هم انقلاب" خصوصیات پایه و رکن به هم بافته سیاست و استراتژی جنبش سوسیالیستی ما است. بدون وجود چنین هدف و افقی هر چقدر هم "کارگری" باشید باز در چهارچوب منفعت سرمایه داری و دولت حاکم نمیتوان گام بیشتری برداشت. یک جریان یا فعال سندیکالیست و رفرمیست تمام تلاشش این است اعضای صنف خودش را به افقهای محدود و"بدون خطر" برای دولت و سرمایه داری متقاعد کند و آموزش دهد. در مبارزه ی اقتصادی در آن چهار چوب که گفتیم فعال هستند، میتوانند بعضا دستاوردهای محدودی هم کسب کنن،اما

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

جایگاه مبارزه اقتصادی ...

راستش اگر کلیت آن سیاست و نقشی که در صفوف طبقه دارند در نظر بگیریم، در میدان مبارزه ی اقتصادی یا افزایش دستمزد نیز ضررشان از خیرشان برای کل طبقه بیشتر بوده است.

امروز که یکبار دیگر نبرد طبقاتی برای افزایش حداقل دستمزد سال ۹۷ شروع شده است، در شرایط که موقعیت بسیارشکننده اقتصادی و کمر شکنی به کل طبقه مان تحمیل گردیده است، باید اعتراضات بر حق و گسترده و اما بسیار پراکنده کنونی را بیش از پیش در جهت منفعت کل طبقه و در جهت یک هدف واحد و رادیکال سراسری تر سازمان داد. سیاست، آرمان، و مطالبه واحد و متحد کننده سوسیالیستی از جمله در مراکز بزرگ کلیدی و شهرها را بر آن مبارزه ناظر کرد، حمایت کلیه مراکزکارگری را از اعتراضات همدیگر جلب کرد، با تعیین یک مجموعه مطالبه واحد، از جمله اعلام ٤-٥ میلیون تومان حداقل دستمزد و انتخاب نمایندگان راستین خود در مراکز کار، صدا و اعتراض و مبارزه متحد و جدی و سراسری میتوان راه انداخت. تنها از این مسیر است که میتوانیم خواب و نقشه به مراتب وحشتناکتراز سالیان پیش شورایعالی کار و کارفرایان و دولت و نهادهای "کارگری"- دولتی علیه طبقه کارگر ایران را خنثی کنیم.

علاوه بر یورش گستاخانه تاکنونی به معیشت و آزادی کل طبقه، باید توجه داشت که بر بستر دو پدیده و حربه بورژوایی دیگر تحت پوشش"برجام" و "اقتصاد مقاومتی" نیز بورژوازی ایران در صدد زمینه سازی برای سازماندهی نیروی کار به مراتب ارزانتر برآمده است. که هم بحران و سردرگمی های صفوف دولتی و هزینه سیستم سرکوب و ترورشان تامین و رفع کنند و هم سرمایه داران خارجی را نیز "جذب" وجود نیروی کارچند میلیونی بسیار ارزانتر و فاقد امنیت در ایران کرده باشند. بحث،"حداقل دستمزد" و دیگر بی حقوقی های رایج تحمیلی به طبقه کارگر ایران قراراست به هر دو پروژه نامبرده طبقه وحشی حاکم سرمایه داران"داخلی" و "خارجی"، اسلامی و غیر اسلامی، "هم میهن" و "بیگانه" از راه نابود کردن نسل دیگر از کارگران زن و مرد، کودکان کوچک و بزرگ، زحمتکش ترین و انسانی ترین قشر جامعه "خدمت" نمایند!

بدون شروع اعترضات و اعتصابات گسترده و متحد، بدون به میدان آمدن رهبران سوسیالیست طبقه کارگر، بدون طرد نهادهای دولتی خانه کارگر و شورای اسلامی و انجمن صنفی ها، بدون تلاش برای عبور از سیاست و عملکرد مخرب وغیر انقلابی گرایشات سندیکالیستی-رفرمیستی امکان تحمیل دوباره یک زندگی فاجعه آمیزتر به طبقه کارگر ایران از سوی دولت اعتدال ضد کارگری بیش از هر زمانی ممکن تر خواهد شد.

<u>توجه رهبران عملی و فعالین پیشرو جنبش سوسیالیستی کل طبقه، از جمله در مراکز مهم صنعتی کشور را، به خطیر بودن اوضاع جنبش مان، به ضرورت به میدان آمدن در این نبرد اقتصادی با پرچم و مطالبه واحد، به ضرورت اقدام فوری و متحد طبقاتی علیه شورایعالی کار و دولت جمهوری اسلامی و سرمایه داران ظالم و زالو صفت فرا میخوانیم.</u>

عواقب تنش میان عربستان سعودی و ایران

زاگرس ابراهیمی

همچنان که شاهد هستیم بعد از حمله تعدادي از تظاهر کننده ها در مو رخه شنبه ۱۲ دي ۱۳۹٤ به سفارت عربستان در ایران ، از آن وقت تا کنون میان این دو کشور تنش ها و اختلافات از آ ن قالب نهان خود خارج شده است و تا این لحظه تنش ها روز از رو ز بیشتر مي شود. اما با نگاهي گذرا میتوان متوجه شد که چرا در این دوره خاص ایران از طرف عربستان وجامعه بین المللي مورد فشارو تهدي د و قرار گرفته است.

ایـن مـوضـوع کـامـلاً بـراي هـمـه مـا آشـکـار شـده است که سیاست هاي منطقه اي ایران، که خود همواره مورد حمایت بخشی ازخود کشورهای امپریالیستی بوده است، توانسته با دخالت روز افزون در کشورهای منطقه و صدور نیروی مسلح و تروریست و گسـتـرش "شـیـعـه" گـری حتی نسبت به دولتهای منطقه اي و غرب درکشور هاي مانند عراق و سوریه و لبنان و یمن و ... بیشتر برای خود جا پای باز کند و جاه طلبانه تر شده است.

بـه هـمـیـن خـاطـر است کـه اوضـآع بـه جـای رسـیـده است که کشورهاي مانند عربستان و امریکا و اسرائیل، که خود آنها نیز همین سیاست و نقش را در راستائی اهداف خود دنبال میکردند، خود را بازنده بدانند و از اینرو به تکاپو افتاده اند تا نگذارند جمهوری اسلامی بیش از این موقعیت و منافع آنها را در منطقه به خطر اندازد.

تا جای که به جمهوری اسلامی هم بر میگردد با تمام قدرت در تلاش است به نفوذ خود در منطقه به افزاید چرا که از این طریق هم جامعه ایران را بهتر سرکوب میکند و هم به مطالبات روز افزون جامعه پاسخ گوه نخواهد بود و میتواند مانند دوران جنگ ضد مردمی دوره ایران و عراق بهانه شرایط جنگی است و دشمن حمله کرده و غیر را در بوق و کرنا کند تا بتواند به عمر خود به افزاید و مردم را راحتر سرکوب نماید.
دردورهبارك اوباما امریکا که قصد داشت توازني میان قدرت شیعه و سني در منطقه ایجاد کند و در توافق "برجام" که به نظر میرسید هر دو دولت امریکا و ایران تعهدی به هم داده بودند که منافع همدیگر را به خطر نه اندازند،
اما ایران این فرصت را به غنیمت شمرد و توازن قدرت در منطقه را از جمله در عراق و سوریه به نفع خود تغییر داد.

در هر صورت نتیجه جدال و کشمکش که دو دولت عربستان و ایران دنبال میکنند مطمئناً عواقب خوبي براي مردم بی دفاع عربستان سعودي و ایران و منطقه نخواهد داشت. وقتی فرماندهان بلند پایه جمهوری اسلامی از الگو سازی "بسیج" در منطقه سخن به میان می آورند و از آنسو عربستان نیز سرگرم حمایت از برخی اپوزسیون مذهبی و ملی در ایران است، و با جنگ نیابتی که آنها در سوریه و لیبی و عراق باهم دارند، در صورت گسترش دامنه این جنگ غیر مستقیم به جنگ رودرروی طرفین میتوانند بسیار خطر ناک باشد برای مردم بی دفاع منطقه.

ادامه در صفحه ۳

پرسش و پاسخ:
ستون پاسخ رهبری حزب سوسیالیست انقلابی به پرسشها

ابراهیم باتمانی

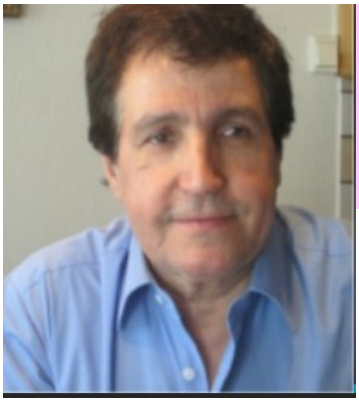

حزب شما در اسناد خود بر ضرورت سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی به وسیله کارگران و زنان و جوانان و حزب سوسیالیستی تکید کرده است. چرا نمیتوان از کانال دخالت دولتهای دیگر یا اختلافات درون جناحی خود جمهوری اسلامی مسیر سرنگونی یا ساقط کردن رژیم را طی کرد؟

اسنادی که ما به تصویب رسانده ایم نماینگر سیاستهای روشن سوسیالیستی و انقلابی هستند در جهت منفعت طبقاتی طبقه کارگر و در راستای گسترش مبارزه آزادیخواهانه، پایان دادن به ستم بر زنان در جامعه تحت حاکمیت استبداد قرون وسطی واسلامی. سیاستهای ما، سیاستهای مربوط به منفعت تهیدستان، جوانان، آزادیخواهان، برابری طلبان جامعه. سیاست و استراتژی که ما به جامعه پیشنهاد کرده ایم، در صورت بدست گرفتن و پیوستن به آن، هم مسیر سرنگونی رژیم اسلامی تسهیل تر و ممکن تر خواهد بود، و هم بعد ازنابودی این رژیم جنایتکار، کلیه طبقات و اقشار و مردم آزادیخواهی که اشاره شد یکبار دیگر به چاله نمی افتند و در پوشش دیگری زیر چکمه های نظام مستبد بورژوا اسلامی یا ملی گرا دیگری زندگیشان به گروه گرفته نمیشود.

این جهت و سیاست روشن و طبقاتی جزو فعالیت و کار ما میباشد. ما تلاش کرده ایم یک جریان حقیقت گو باشیم. مانند برخی جریانات دیگر دیپلماسی بازی با جامعه و با کارگران نکنیم. از این رو ضمن بیان حقایق و درس گرفتن از خطاهای گذشته راه کار عملی درست تری را نشان بدهیم. حزب ما تلاش میکند به طبقه ای که تا اخر انقلابی میماند، یعنی طبقه کارگر و رهبران کارگران جهت درست را نشان بدهد.

برای تدارک ملزومات بهتر و انقلابی تلاش میکنیم که بتوانیم به عمر رژیمی پایان دهیم که از روز اول وصله ناجوری بوده با جامعه ایران و هیچگاه به طبقه کارگر و اکثریت مردم ربطی نداشته است. نه به زن، نه به کودک، نه به جوان، نه به سالمندان، نه به هنر و ادبیات، نه به آزادی، نه به موسیقی، نه به رقص و شادی، نه به خندیدن، نه به زندگی شاد، نه به احترام به انسان، نه به تکنولوژی، نه به آرامش و امنیت و رفاه مردم، وووووووو هیچگاه ربطی نه تنها نداشته که با سرکوب و ضدیت با این واقعیتها به حاکمیت سیاه خود ادامه داده است.

شاه کارها ومنطق و عمل کرد جمهوری اسلامی بدین ترتیب میباشد: .دزدی بله، دروغ گفتن بله، اعدام کردن بله، دست انسان قطع کردن بله، سنگسار در ملا عام بله، اسید پاشیدن به صورت زنان بله، معتاد کردن جوانان بله، بیکاری جوانان بله، شلاق زدن کارگران به خاطر تعویق افتادن دستمزدشان بله، زندانی کردن رهبران کارگری بله، گور خواب و کارتون خواب بله، جدا سازی زن ومرد بله، اعدامهای دسته جمعی و گورستانهای بی نام و نشان و نعلت ابادها بله، خفقان و سرکوب و ممنوع کردن فعالیت احزاب سیاسی و فراری دادن انها بله، بودجه مملکت به حزب الله لبنان و رژیم سوریه وحشت شعبی عراق وشیعیان پاکستان و افغانستان ویمن بدون اینکه جواب مردم ایران بدهند ویا نظری بخواهند و گذارشی بدهند بله، چهار زنه و دو زنه بله، رواج تن فروشی در قالب سیغه کردن بله، و جنایت های بیشماردیگر که این حکومت در پرونده خود دارد.

سوال اساسی اینجاست، پراتیک و پرونده و عملکرد این حکومت، علاوه به نکات فوق، که ۳۹ سال است همواره بخش از مردم و احزاب را نیز به مناسبت دعواهای درونی و انتخاباتهای مضحک خود بازی داده است، ۳۹ سال است به بهانه جنگ ایران و عراق، کشمکش هسته ای با "شیطان بزرگ"، نه شرقی نه غربی، صدور اسلام به منطقه، و غیره جامعه را سرکوب میکند و دوباره عمر برای خود خریده است. ۳۹ سال است ثروت عظیم ایران را در راه گسترش یک سیستم مسلح تروریست عریان و دخالت در کشورهای دیگر،که آن نیز در جهت تداوم بقای خود و سرکوب کارگران و مردم معترض در داخل کشور بوده است و... آیا گفتن اصلاح و تغییر از درون چنین رژیمی نه فقط که توهم که خدمت بزرگی به خود رژیم مستبد حاکم است؟

از این جهت حزب ما پرچم بی ابهام سرنگونی فوری و انقلابی رژیم را بر افراشته است و در این رابطه نقد جدی به کلیه احزاب دیگر از جمله جریانات چپ دارد که در این ۳۹ سال با رهبری و سیاست ناکارامد و عادت گرفته به خارج کشور نتوانسته اند کاری کنند که عمر این رژیم جانی و نامربوط به جامعه به نقطه پایانی خود برسد. حزب ما در اینجا است خواهان سرنگونی کل رژیم با همه جناحهای آن میباشد. همانطور که اشاره شد، این رژیم قابل اصلاح نبوده و نیست. هیچ راه دیگر وجود ندارد به جز سرنگون کردن این جنایت کاران فاسد و دزد و آدم کش.

از اینرو وظیفه تاریخی روی دوش کمونیستها وکارگران و زنان وجوانان و محرومان و ازادیخواهان وا نسانهای برابری طلب قرار میگیرد که باید دست در دست هم بگذاریم و با اتحاد و یکپارچگی، بدون توهم و وقط تلف کردن این رژیم را سرنگون کنیم. به صراحت میگویم این رژیم به جز سیه روزی هیچ خاصیتی نداشته و ندارد برای نود در صد جامعه ایران.

با این توضیحات روشن شد که چرا ما خواهان فوری سرنگونی رژیم اسلامی هستیم و در عین حال خواهان هر نوع سرنگونی نیز نیستیم. چونکه اگر سرنگونی به دست خود ما و به وسیله حرکت سازمانیافته کارگران و زنان و جوانان رهبری سیاستهای ما و حزب سوسیالیستی نوع ما صورت نگیرد. معتقدیم هر نوع "سرنگونی" دیگری هم اتفاق به افتد به نفع کارگران، زنان مردم زحمتکش و جامعه خواهان آزادی و برابری تمام نخواهد شد.

در باره اینکه در سوال طرح شده آیا نمیشود از طریق دخالت نظامی دولتهای دیگر یا از طریق تعمیق اختلافات درونی رژیم و جناحهای آن از درون رژیم سقوط کند؟ نکاتی دیگررا به پاسخ تا کنونی خود اضافه میکنم.

جواب ما به هر دو وجه سوال منفی است.

←

برسش و پاسخ:...

بگذار بگویم چرا در تجربه سال ۱۳۵۷ که مردم ایران از همه گرایش و جناحهای راست و چپ به خصوص کارگران صنعتی مثل شرکت نفت با اعتصابهای بزرگ و دخالت مستقیم آنها حکومت شاه را به زانو در اوردند، و دخالت فعال و سیاسی فرهنگیان و روشنفگران و معلمان و دانش آموزان همه با هم علیه نظام دیکتاتور شاهنشاهی دست به دست هم داد و در عرض چند ماه حکومت استبداد شاهنشاهی را به زیرکشیده شد. اما حاصل آن به نفع کارگران و زنان و کسانی که تشنه آزادی و برابری بودند تمام نشد. یکی از عوامل اصلی آن که به ضرر جامعه عمل کرد، دخالت دولتهای دیگر بود. تازه در این مقطع اگر دولتی بیاید با زور اسلحه و شگرد "رژیم چنج" بخواهد حکومت اسلامی را ساقط کند بنظر ما اولا توهمی بیش نیست و کل ماجرا به نفع رژیم تمام می گردد تا مردم، دوما تجربه کشورهای منطقه نیز نشان داده است اپوزسیونی که از طریق سایه ارتش امریکا و دولتهای مشابه به قدرت میرسند از خود دولت ساقط شده مرتجع ترند، ثالثا بی تردید کل جامعه را به سناریو سیاه و جنگ داخلی سوق داده میشود، خود رژیم اسلامی یک پایه اصلی این اقدام خواهد بود.

در همان تجربه انقلاب سال ۵۷ بلافاصله از طرف دولتهای اروپا و امریکا برای آلترناتیو مورد نظر خود دست به کار شدند. جلسه گرفتند و میلیونها دلار پول خرج کردند. رسانها را فعال کردند، به خصوص رادیو بی بی سی را. ملاقاتهای رهبران اروپا و امریکا با یکدیگر و همچنین با سران ارتش و لیبرالها و آخوندها پشت سر هم جلسه میگرفتند. در فرانسه طبل خمینی را به صدا درآوردند و به مردمی که ۹۹ درصدش نمیدانست خمینی کی است به عنوان "رهبر" آشنا کردند. از کانال مدیاهای دولتهای غربی و همچنین شبکه مرتجع آخوند و جریان مجاهد و بنی صدر و ملی اسلامیها صدا و چهره خمینی کپک زده با وعده های دروغین که به قیام کنندگان میدادند جاری میشد. برای مثال میگفت من بیایم سر کار آزادی برای همه احزاب و افراد جامعه با هر نظری تضمین میکنم. آب و برق را مرجانی میکنم. اتوبوس را مرجانی میکنم. هر روز یک حلب ۲۰ لیتری نفت و ۵۰ تومان نقد تحویل شماها میدهم و...

کل این سنایور از طرف غرب و دولت امریکا و بخاطر ممانعت از پیروزی آن انقلاب که کارگران و نیروهای چپ دست بالا را در آن داشتند و خواهان آزادی و برابری و رفاه و پایان دادن به استبداد و زندان و شکنجه بودند تدارک دیده شد. در نتیجه ایران امروز تحت حاکمیت رژیم اسلامی محصول مستقیم دخالت و نقش کشورهای دیگر از جمله امریکا بود. اما بعد از چند ماه حکومت خودش را جم و جور کرد. ساواک و زندان و سیستم باقی مانده از شاه را دست نخورده نگاهداشت و از آنها علیه مردم قیام کننده استفاده نمود. ارتش را که توبه کرده و اسلامی شده بود همراه با سازماندهی دسته جات اسلامی حزب الله برای کوبیدن خواستهای برحق مردم قیام کننده که واقعا تلاش و زحمت و خون زیاد داده بودند وارد عمل شدن و دریایی از خون و جنایت آفریدند. از سال ۱۳۵۸ کشمکشهای جدی بین کمونیستها و کارگران و زنان و جوانان و ازادیخواهان مترقی تا امروز با رژیم جمهوری اسلامی ادامه پیدا کرده است. بازگو کردن بخشی از حقایق این رویداد تاریخی حداقل برای نسل جوان ضروری است و پاسخ سوال ما را هم روشن میکند که چرا مخالف دخالت کشورهای دیگر در سرنوشت آینده جامعه ایران هستیم، و چرا امیدوار بودن به چنین دخالتهای به معنی قبر تازه درست کردن به دست خود ما استکه میخواهیم از قبر کنونی جانیان اسلامی رهایی پیدا کنیم.

برعکس، ما همیشه طرفدار آگاهی و نقش و دخالت جامعه در سرنوشت خود، به خصوص نقش و دخالت کارگران و آزادیخواهان و زنان و جوانان و محرومان بوده ایم. ما همیشه در مقابل جان انسانها ومنافع ستم دیده گان احساس مسئولیت میکنیم. ما همیشه آدرس درست و سر راست به طبقه خودمان و زنان و جوانان و محرومان میدهیم. چون اهداف و منافع و درد و رنج ما همه یکی است. مگر کشو عراق، سوریه، لیبی، یمن، افغانستان وو با دخالت دولتهای دیگر و تهاجم حمله نظامی امریکا و همپیمانانش به جای رسیده است تا مردم ایران یکبار دیگر خود را با دستان خود به استقبال آینده به مراتب سیاه تر از رژیم اسلامی برویم؟

در آن کشورها این نوع دخالتهای نظامی،که بخشی از اپوزسیون مرتجع ایرانی، شبیه اپوزسیونها مرتجع اسلامی و ملی در سوریه، عراق، لیبی، یمن، عراق، افغانستان هستند، چه نفعی برای مردم به خصوص کارگران و زنان داشته به جز بدبختی و خانه خرابی و کشتن میلیونها انسان بی گناه و نابود کردن شیرازه جامعه شان؟.مخالفت ما از این جهت است. جامعه باید بداند هیچکدام از دولتهای امپریالیستی یا منطقه ای سر سوزنی برای دلسوزی مردم ایران نیست که گویا با رژیم اسلامی کشمکش دارند! آنها فقط دنبال منفعت خود هستند، ادعاهای چون دفاع از مردم و دمکراسی و حقوق بشر و غیره دروغهای بزرگی در این راستا است.

نمیخواهیم مثل این کشورها جامعه ایران قربانی شود. سرنگونی واقعی رژیم اسلامی و بنیاد استبداد و جنایت در جامعه ایران و کسب آزادی و برابری واقعی تنها به وسیله تلاش آزادانه و متشکل و مبارزه قهرمانانه خود یک جامعه خواهان آزاد شدن ممکن میگردد. آنهای که میخواهند آزادی را از کانال دیوانه های چون ترامپ یا دیگر دولتمردان مرتجع منطقه بدست بیاورند، کلاهبرداران سیاسی هستند که به هیچ وجه به دنبال آزادی نیستند!

بلکه در صدد به قدرت رسیدن خود از یک مسیر مزدوری و جنایتکارانه اند.

از نظر حزب سوسیالیست انقلابی ایران نه تنها نباید در انتظار آینده تاریک سرنگونی رژیم اسلامی از کانال دخالت دولتهای دیگر بود، که امید بستن بیش از این هم به کشمکش درونی خود جمهوری اسلامی نیز به همان اندازه مخرب ارزیابی میشود. هر چند این رژیم در بحرانها و دعواهای درونی از همدیگر گاز میگیرند، اما در مقابل جامعه و آینده جمهوری اسلامی هیچ فرقی با همدیگر نداشته و ندارند. هر حزب و نیرو و فردی فکر کند در رژیم اسلامی جناحی ، جناحهای یا شخصیتهای وجود دارند که از دیگرجناحها و شخصیتهای جانی رژیم "بهتر" هستند، اگر خود رژیم و طبقه حاکمه و مزدور جمهوری اسلامی و کاسه لیش نباشند، حتما یک جریان و فردی بسیار ساده لوح، ناآگاه و بی اطلاع از روند تاریخی کشمکشهای درونی رژیم میباشند. اتفاقا این رژیم از این طریق برای خودش بسیار عمر خریده است. اختلاف درونی رژیم سر منافع یا خواست جامعه نیست! بلکه حول چگونگی تداوم عمر رژیم و سرکار ماندن حکومتشان است. اختلافشان سر این است که کدامشان بهتر میتوانند سر مردم کلاه بگزارند یا مردم را بیشتر بترسانند، کدام راه حل؟

همه جناحها و سران حکومت بدون استثنا شریک جرم و جنایت ۳۹ سال یک نظام وحشی، آدمکش، مستبد، فاسد و دزد و اسلامی و تروریست علیه جامعه ایران از جمله علیه کارگران، زنان و جوانان هستند. با سرنگونی حتمی رژیم این دارو دسته های تروریست قرون وسطی تک تک سران آنها را چه مرده و چه زنده در ملا عام و در انزار جهان محاکمه میکنیم.

مردم آزادیخواه! شما را فرامیخوانم که به حزب ما، حزب سوسیالیست انقلابی ایران، و سیاستهای پیشنهادی ما در راه سرنگونی کلیت نظام فاسد جمهوری اسلامی ملحق شوید! این تنها مسیر انقلابی و روشنی است که آینده روشن و خوشبخت بعدازحاکمیت سیاه اسلامی را برای کل جامعه تضمین و تامین خواهد کرد. بجنبید به امید آن روز!

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری

برای آزادی باید جنگید!

پیام محمود صالحی به تمام کسانی که بیدریغ برای آزادیش تلاش کردند و ایشان و سایر فعالین کارگری زندانی را مورد حمایت قرار دادند.

تشکل ها و فعالین جنبش کارگری!

سندیکاهای کارگری خارج از کشور!

نهادهای مدافع حقوق انسان!

فعالین رسانه های جمعی و شبکه های اجتماعی و آزادیخواه!

رفقا و دوستان عزیزم!

در ۲۷روزی که در زندان بودم، از دور و نزدیک در جریان فعالیتهای شما عزیزان در اعتراض به زندانی کردن مجددم قرار می گرفتم. شاهد زحمات و تلاش بیدریغ یکایک شما برای انعکاس موقعیت دشوار جسمی و شرایط نامناسب من در زندان بودم. شاهد اقدامات صمیمانه شما در داخل و خارج از کشور برای جلب حمایت تشکلهای کارگری،سندیکاهای کارگری، احزاب و سازمانهای سیاسی، پارلمانها و نهادهای مدافع حقوق و آزادیهای دمکراتیک انسانها بودم. شاهد حضورتان در آکسیونها، متینگ و تظاهراتهای حمایتی و اقدام برای جلب توجه و حمایت دیگران از من و ما کارگران زندانی بودم. با مشاهده این همبستگی عظیم طبقاتی و با اطلاع از این تحرکات صمیمانه و بیدریغ آنچه را که هرگز به آن فکر نمی کردم شرایط دشوار جسمی خودم و موقعیت نامناسبی بود که در آن قرار گرفته بودم. بجای فکر کردن به وضعیت نامناسب جسمی ؛ به شما مبارزان و عزیزان فکر می کردم که چطور با تمام قد در تلاش هستید تا کارگران زندانی را آزاد کنید. بیاد می آورم که این اولین بار نیست که من شاهد چنین همبستگی های قابل ستایش شما، در دفاع از کارگران زندانی و فعالین جنبش کارگری هستم. تحرکات اخیر تنها گوشه ای از یک تاریخ در زمان حال است. این وحدت و تحرک طبقاتی البته که تاریخچه دیرینه ای به قدمت پیدایش طبقه کارگر و مبارزه این طبقه دارد و نشانه های امیدوار کننده ای در جامعه ما می باشد. بدون شک این حرکتهای امیدوار کننده در دفاع از کارگران زندانی؛ می تواند زمینه های وحدت طبقه کارگر در تشکلهای سراسری را فراهم بیاورد تا جائیکه خود طبقه کارگر تمام قد در دفاع از فعالینش به میدان بیاید. با وجود این کمبود، اما من بعنوان یکی از کارگران زندانی از تلاش و زحمات بیدریغ تک تک شما فعالین جنبش کارگری، تشکل های کارگری، کمیته های کارگری ، سندیکاهای کارگری ،انسانهای آزادیخواه، فعالین شبکه های اجتماعی و رسانه های جمعی در داخل و خارج که در این یک ماه من ، اعضای خانواده و کمیته دفاع از محمود صالحی را تنها نگذاشتید و از هیچ اقدامی برای آزادی من فروگذار نکردید صمیمانه تشکر و قدردانی می کنم و از کلیه کسانی که از راه دور و نزدیک به دیدن من آمدند و ابراز خوشحالی کردند سپاس گذارم. یکبار دیگر با همه شما و طبقه کارگر ایران پیمان می بندم که در دفاع از خواست و مطالبات کارگران لحظه ای از مبارزه دست برنخواهم داشت و برای رسیدن به دنیایی بی طبقه تا خون در رگ هایم جاریست مبارزه خواهیم کرد. این را نیک می دانم که هیچ نیروی سرکوبگری توان مقابله با نیروی متحد ما کارگران را ندارد.

پیش بسوی متحد کردن طبقه کارگر.

محمود صالحی سه شنبه ۷ آذرماه ۱۳۹۶

بیانیه 106- در صورت وضعیت جدید زندان، باز هم تاریخ آزادی رضا شهابی تغییر کرد!

همان طور که در بیانیه پیشین ذکر شد، در آخرین صورت وضعیتی که رضا شهابی از زندان دریافت کرده بود تاریخ آزادی وی 18 دیماه 1396 ذکر شده بود و هیچ غیبتی نیز در آن قید نشده بود، اما در هفته گذشته که وی مجددا از اجرای احکام زندان پیگیر وضعیت خود شد، به او اعلام کرده اند که حکم 6 سال زندان قبلی اش تمام شده و از این پس رضا در حال گذراندن محکومیت یک ساله خود است و ضمناً در صورت وضعیت جدید عدد 887 روز را نیز به عنوان دوران غیبت اعلام کرده اند!

ظاهراً مسئولان امنیتی و قضایی با تغییر مداوم تاریخ آزادی رضا شهابی و روزهای باقی مانده از حبس او، قصد ایجاد فشار روانی مضاعف بر این کارگر زندانی و خانواده اش را دارند و در این میان مشخص نیست که رضا دقیقاً تا کی باید در زندان بماند.

به نظر میرسد دلیل دیگر تغییر مداوم تاریخ آزادی رضا شهابی، ایجاد سردرگمی و یأس در تلاشهای افراد و تشکل های مختلفی است که همواره به شکل های مختلف نسبت به شرایط رضا شهابی اعتراض کرده و خواستار آزادی فوری او بوده اند.

کمیته دفاع از رضا شهابی اعلام می دارد که دور جدید پرونده سازی و اعمال فشار بر این کارگر زندانی با دست کاری تاریخ های پرونده توسط مسئولان امنیتی-قضایی کلید خورده است؛ این در حالی است که رضا شهابی کماکان از نظر جسمی در شرایط نامناسبی به سر می برد: دکتر زندان به وی اعلام کرده است که کلیه اش دچار عفونت شده است، با توجه به شواهد ممکن است دچار مشکلات پروستات باشد و با وجود انجام MRI به دلیل مشکلات گردن و کمر، هنوز مسئولان زندان اقدامی جهت ویزیت مجدد این زندانی و ارائه پاسخ آن به پزشک معالج انجام نداده اند.

کمیته دفاع از رضا شهابی ضمن اعتراض شدید به ادامه این تناقض گویی ها و اعلام تاریخ های مختلف و عدم رسیدگی به وضعیت پزشکی این کارگر زندانی، خواهان آزادی فوری و بی قید شرط این کارگر زندانی است و از تمام تشکل ها و افراد مختلف در سراسر جهان تقاضا دارد که تا آزادی قطعی رضا شهابی با تمام توان و به هر شکل ممکن به حمایت های خود از این کارگر زندان و عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ادامه دهند.

کمیته دفاع از رضا شهابی

9 آذر 1396

نه قومی نه مذهبی، آزادی برابری

اسلام و تسلیم نقطه مقابل آزادیند (قرآن را بازبان مادری بخوانیم)

سهراب کرماشانی

سوره بقره (آیه۳۷): "پس آدم ازخدای کلماتی آموخت (آن کلمات سبب پذیرفتن توبه اوگردید) که خداوند توبه پذیرومهربان است..."
نویسنده دراینجا تاکیدی دارد بر زیر سلطه بردن انسانها جهت بردگی بیشتر وتقاضای عفو و بخشش و ترحم برای استمرارحکومت دینی و بوجودآوردن سیستم دیکتاتوری...

(آیه۳۸): "گفتیم فرود آیید از بهشت همه شماها(آدم وحوا وشیطان)تاآنکه ازجانب من راهنمایی بسوی شما آید پس هر کسی پیروی کند راهنمای مرا هرگز(دردنیا وآخرت) بیمناک واندوهگین نخواهدگشت..."
در اینجا بسیارحرفه ایی وزیرکانه دوانسان هم زوج راهمراه شیطان ازبهشت به زمین فرود آورد بخاطراینکه وجود شیطان فرضی باعث نزدیکی انسانها به فرستاده نیروی برترهمانا که مستبدان دینی هستند شود...

(آیه۳۹): "و آنهایی که کافر شدند و تکذیب کردند آیات مارا البته اهل دوزخند ودرآتش آن همیشه معذب خواهند بود..." تهدید به آتش سوزان از همین جا وسپس درآیات بعدی این کتاب که به نحوی ترسناک بیان شده جهت ارعاب بشر وزیرسلطه بردن آنها برای کسب منافع شخصی بکارگرفته شده است.

(آیه۴۰): "ای بنی اسرائیل یاد آرید از نعمتهایی که به شما عطا کردم و وفا کنید به عهد من ت ابعهد شما وفا کنم وازشکستن پیمان من برحذر باشید..."
دین افیونی اسلامی زمانی که بنا نهاده شد بدلیل زیرکی وهوشیاری افرادی مانند سلمان فارسی(روزبه)که به فکرانتقام از پادشاه ساسانی بود تا آنجایی که توانست مته به خشخاش گذاشت به جهت اینکه سایر ادیان دیگررا همراه خود سازد وبتواند به اهداف شخصی خودبرسد.

(آیه۴۱): "و ایمان آورید به قرآن که فرستادم درحالتی که آن قرآن تورات شما راتصدیق کند ونباشد اول کافر به آن قرآن و نفروشید آیات مرا ببهایی اندک واز قهرمن بپرهیزید..."
اینجاست که دین اسلام دروغین میخواهد به بهانه های واحی ادیان دروغین دیگررازیر سیتره خود ببرد جاه طلبی وخودخواهی صاحبان دین بی حدومرزاست و اگرروزی فرارسد که نیرویی برتر از آسمانها وکهکشانها وتمامی موجودات وجود داشته باشد وخود را بخواهد نمایان کند مطمئنا صاحبان توهم طالب به زنجیر کشیدن آن هستند!!!
(آیه۴۲): "وحق را بباطل مشتبه نکنید تاحقیقت را پنهان سازید در صورتیکه به حقانیت آن واقفید..."
حلال وحرام روا وناروا واژه ایست که دین شما درباره آن میگوید ازحقوق زنان کودکان وحتی تجارت برده گرفته تا بستن مالیاتهای گزاف همه وهمه ازنابرابری اجتماعی حکایت دارد البته هرچند تنها آیینی که به دین اسلام شبیه ومانندداست همانا که دین یهود است وبیشتر آیات قرآن ازهمان تورات گرفته شده است.

آیه۴۳): "و نماز بپای دارید و زکوة بدهید وبا خداپرستان حق راپرستش کنید..."
حال نوبت به بردگی واستثمار درونی رسید. این نوع از بندگی خیلی سخت ترودردناکترازبردگی واسارت فیزیکی است، چرا که دراینجا تفکرتو به یغما خواهد رفت و تمامی زندگی خود را بدست موجود ناشناخته ای خواهی داد که ساخته و پرداخته صاحبان دین ومستبدین است بدتراز موضوع عبادت دادن خراج وبستن مالیاتهای سنگین به عناوین مختلف مانند زکوة خمس فطره وغیرو است وکاملا پیروان دین را خلع سلاح ویکباره آنان راساقط ووابسته میکند.

(آیه۴۴): " چگونه شما که مردم رابه نیکوکاری دستور میدهید خود فراموش میکنید در صورتی که شما کتاب خدای رامیخوانید چرا تعقل واندیشه در آن نمیکنید..."
نویسنده کتاب دراینجا میخواهد حس برتری خود را به دیگرادیان دنیا القاع کند وسایر ادیان رازیر پرسش تعقل واندیشه ببرد. احساس متفاوت بودن وحس بزرگ بینی درکتاب قرآن موج میزند.

(آیه۴۵): "ازخدا به صبرو نماز یاری خواهید که کاری دشوار است مگر بر خداپرستان..."
بردباری ازجمله خصوصیات ومحسنات انسانی است که نیازبه کسب کردن آن دارد وبدون شناخت درونی امکان دستیابی به صبر غیر ممکن است فرا گرفتن مهارتهای زندگی یکی ازراههای بدست آوردن صبرو شکیبای است. درواقع پذیرش وپذیرفتن واقعیتهای موجود پایه واساس و مولد بردباری وصبوریست.

یاری خواستن ازنیروی فرازمینی که نه میتوانیم آن را رد وياحتی تایید کنیم جهت برقرار کردن ارتباط ونماز گونه ای دیگراز فری بواستثمار دینی است که میخواهد قل وزنجیررا محکم بسته وتمامی مشکلات اجتماعی اقتصادی را برای بنده خودحل وفصل کند تا حکومتگران دینی بار مسئولیت مشکلات را برگردن نگیرند. وتمامی آنرا بر قضا وقدرحاکمان بالا دستی خودهمانا که فضایها هستند ارجاع دهند. درآخرآیه هم اشاره به دشوار بودن این رابطه کرده واین خود حکایت ازدروغ وبی محتوا بودن موضوع است.

آگاهی بخشی نوعی خدمت است که مردم ایران به آن واقفند. ما تک تک افراد جامعه درقبال این نوع از اطلاع رسانی مسئولیت داریم وباید فرزندان این مرزوبوم رابه حدی ازآگاهی برسانیم که دیگر حاکمیت دینی خود رخت تسلیم را بر بسته وغزل خدا حافظی را نغمه سردهد.
زنده باد کارگر نابودبادحاکمیت دینی - زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران.

تماس با
حزب سوسیالیست انقلابی

iransocialist2017@gmail.com

تماس با حزب
۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳
۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶
۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰

کارگران! حزب سوسیالیست انقلابی حزب شما است، به آن بپیوندید!

به مناسبت زادروز...

مارکس نیز در لندن سکنا گزید. انگلس پس از مدتی مجدداً کارمند شد و سپس در شرکت تجاری که در منچستر در دهه‌ی 1840 در آن کار کرده بود، سهام‌دار شد. تا 1870 انگلس در منچستر ماند در حالی که مارکس در لندن به سر می‌برد اما این امر آن‌ها را از اینکه پرجوش و خروش‌ترین تبادل ایده‌ها را حفظ کنند باز نداشت: آن دو تقریباً به طور روزانه با هم نامه‌نگاری داشتند. در این نامه‌نگاری‌ها مارکس و انگلس دیدگاه‌ها و اکتشافاتشان را تبادل می‌کردند و به همکاری‌شان در انداختن طرح سوسیالیسم علمی ادامه دادند. انگلس در 1870 به لندن نقل مکان کرد و حیات اندیشمندانه‌ی مشترکشان که ماهیتی شدیداً قدرتمند داشت تا 1883 یعنی زمانی که مارکس درگذشت، ادامه یافت. از سمت مارکس نتیجه‌ی این همکاری کتاب سرمایه بود، عظیم‌ترین اثر در باب اقتصاد سیاسی عصر ما، و از سمت انگلس شماری از آثار بزرگ و کوچک. مارکس بر روی تحلیل پدیده‌های پیچیده‌ی اقتصاد سرمایه‌داری کار می‌کرد.

انگلس در کتاب‌هایی آسان‌فهم و اغلب با سرشتی جدلی، با مسائل علمی کلی‌تر و پدیده‌های گسترده‌ی مربوط به گذشته و حال حاضر که روح تلقی ماتریالیستی از تاریخ و نظریه‌ی اقتصادی مارکس در آن بود، سروکار داشت. از آثار انگلس می‌توانیم به موارد پیش رو اشاره کنیم: اثری جدلی علیه دورینگ (تحلیل مسائل به غایت مهم در عرصه‌ی فلسفه، علم طبیعی و علوم اجتماعی). منشأ خانواده، مالکیت خصوصی و دولت (ترجمه روسی منتشره در سال 1895)، لودویک فوئرباخ (ترجمه به روسی و یادداشت‌ها از پلخانف، 1892)، مقاله‌ای در باب سیاست خارجی دولت روسیه، مقالاتی درخشان درباره‌ی مسئله‌ی مسکن، و نهایتاً، دو اثر کوچک اما بسیار ارزشمند پیرامون توسعه‌ی اقتصادی روسیه (ترجمه به روسی، 1894). مارکس پیش از آنکه بتواند آخرین اصلاحات را در اثر عظیم خود درباره‌ی سرمایه انجام دهد، از دنیا رفت. دست‌نویس سرمایه با این حال پیشتر تمام شده بود و پس از مرگ دوستش، انگلس وظیفه‌ی دشوار آماده‌سازی و انتشار مجلدهای دوم و سوم سرمایه را بر عهده گرفت. انگلس مجلد دوم را در 1885 و مجلد سوم را در 1894 منتشر کرد (مرگ او مانع از آماده‌سازی مجلد چهارم شد). این دو مجلد کار عظیمی به خود اختصاص داده بودند. آدلر، سوسیال دموکرات اتریشی، به درستی خاطر نشان کرده که با انتشار مجلد دوم و سوم سرمایه، انگلس یادگار شکوهمندی از نابغه‌ای ایجاد کرد که رفیقش بود، یادگاری که بی آنکه قصدش را داشته باشد، به نحوی پاک‌نشدنی نام خویش را حک کرد. در واقع، این دو مجلد سرمایه اثر دو نفر است: مارکس و انگلس. افسانه‌های کهن شامل نمونه‌های متعدد سوزناکی از رفاقت می‌شوند. پرولتاریای اروپا می‌تواند بگوید علمش را از دو پژوهشگر و مبارزی گرفته که رابطه‌شان با یکدیگر از سوزناک‌ترین داستان‌های باستانیان در باب دوستی انسانی فراتر می‌رود. انگلس همواره- و در مجموع، به درستی- خود را بعد از مارکس قرار می‌داد. انگلس در «زندگی مارکس» به دوستی قدیمی می‌نویسد «من ساز زهی دوم را می‌نواختم.» عشق او به مارکس زمانی که زنده بود و گرامیداشتش از خاطره‌ی مارکس پس از مرگ او بی حد و اندازه بود. این مبارز سخت‌کوش و متفکر سختگیر از روحی عمیقاً دوست‌داشتنی برخوردار بود. پس از جنبش 49-1848، مارکس و انگلس در تبعید خود را محدود به پژوهش علمی نکردند.

در 1864، مارکس انجمن کارگران بین‌الملل را پایه گذاشت و کل این دهه ریاست انجمن را بر عهده داشت. انگلس نیز نقشی فعال در این امور ایفا کرد. وظیفه‌ی انجمن بین‌الملل که در تطابق با ایده‌ی مارکس پرولتاریای تمام کشورها را متحد کرد، اهمیت فوق‌العاده‌ای در انکشاف جنبش طبقه‌ی کارگر داشت. اما حتی با منحل شدن انجمن بین‌الملل در دهه‌ی 1870، نقش وحدت‌بخش مارکس و انگلس متوقف نشد. در برابر، می‌توان گفت اهمیت آن‌ها به عنوان رهبران معنوی جنبش طبقه کارگر به طور پیوسته افزایش یافت، زیرا خود جنبش بدون وقفه گسترش یافته بود. پس از مرگ مارکس، انگلس به تنهایی به عنوان مشاور و رهبر سوسیالیست‌های اروپا به کار خود ادامه داد. پیشنهادها و جهت‌دهی‌های او را به یک اندازه هم سوسیالیست‌های آلمانی، که قدرتشان به رغم آزار و اذیت دولت به سرعت و بی‌وقفه افزایش می‌یافت، و هم نمایندگان کشورهای متحجر از قبیل اسپانیایی‌ها، رومانیایی‌ها و روس‌ها که مجبور بودند در نخستین گام‌هایشان تعمق کنند و آن‌ها را بردارند، به کار گرفتند. همه‌ی آن‌ها از مخزن غنی دانش و تجربه‌ی انگلس در دوران کهن‌سالی‌اش استفاده کردند.

مارکس و انگلس که هر دو روس‌ها را می‌شناختند و کتاب‌هایشان را می‌خواندند، نفعی فعالانه در کشور داشتند و از جنبش انقلابی روسیه با همدلی پیروی کردند و با انقلابیون روس در ارتباط ماندند. هر دوی آن-ها پس از اینکه دموکرات شدند به سوسیالیسم روی آوردند و احساس دموکراتیک انزجار از استبداد سیاسی به غایت در آن‌ها قوی بود. این احساس سیاسی بی‌واسطه، در آمیخته با تلقی نظری عمیق از ارتباط میان استبداد سیاسی و سرکوب اقتصادی، و نیز تجربه‌ی غنی‌شان از زندگی، مارکس و انگلس را به شکل فوق-العاده‌ای به لحاظ سیاسی راغب کرد. به همین دلیل است که مبارزه‌ی قهرمانانه‌ی تعداد کمی از انقلابیون روس علیه حکومت قدرتمند تزاری، همدلانه‌ترین طنین‌ها را در قلوب این انقلابیون کارکشته برانگیخت. از سوی دیگر، این گرایش به مزایای اقتصادی موهوم، برای اینکه از بی‌واسطه‌ترین و مهم‌ترین وظیفه‌ی سوسیالیست‌های روس یعنی رسیدن به آزادی سیاسی فاصله گیرد، به طور طبیعی به نظر آن‌ها مشکوک رسید و حتی به عنوان خیانت مستقیم به آرمان والای انقلاب اجتماعی تلقی شد. مارکس و انگلس همواره می-پنداشتند «رهایی کارگران باید از طریق عمل مستقیم خود طبقه‌ی کارگر باشد». اما به منظور مبارزه برای رهایی اقتصادی، پرولتاریا باید خودش حقوق سیاسی مشخصی به دست آورد. علاوه بر این، مارکس و انگلس آشکارا مشاهده کردند که انقلابی سیاسی در روسیه اهمیتی شگرف نیز برای جنبش طبقه‌ی کارگر اروپا خواهد داشت. روسیه‌ی استبدادی همواره پناهگاه ارتجاع اروپایی به طور کلی بوده است. جایگاه بین‌المللی فوق‌العاده مطلوبی که روسیه در نتیجه‌ی جنگ 1870 پیدا کرده بود، که مدت‌ها بذر نفاق میان آلمان و فرانسه می‌کاشت، البته صرفاً اهمیت روسیه‌ی استبدادی را به مثابه‌ی نیرویی ارتجاعی افزایش داد. تنها روسیه‌ای آزاد، روسیه‌ای که نیازی نه به سرکوب لهستانی‌ها، فنلاندی‌ها، آلمانی‌ها و ارمنی‌ها داشت و نه به سرکوب هر کشور کوچک دیگری، یا اینکه پیوسته فرانسه و آلمان را در باتلاق گیر بیندازد، می‌تواند اروپای مدرن را که از شرّ جنگ خلاص شده و آزادانه نفس می‌کشد، تمام عناصر ارتجاعی در اروپا را تضعیف سازد و طبقه‌ی کارگر اروپا را تقویت کند. به همین دلیل بود که انگلس مشتاقانه خواستار ایجاد آزادی سیاسی در روسیه و به همان اندازه به خاطر پیشرفت جنبش طبقه‌ی کارگر در غرب بود. در مورد شخص انگلس، انقلابیون روس بهترین رفیق‌شان را از دست دادند.

بگذارید همواره یاد و خاطره‌ی فردریش انگلس، مبارز و آموزگار کبیر پرولتاریا را گرامی داریم.

منبع:

Vladimir Lenin in Marx and Engels Through the Eyes of Their Contemporaries, 1972, Progress Publication, Moscow, pp. 16-28.

از صفحه ی: کمونیست
communist

برگردان مهرداد امامی

باز تکثیر: شماره ۲۶ نشریه سوسیالیسم امروز

زنده باد مبارزه رادیکال، سوسیالیستی و ضد مذهبی فرهنگیان!

بازتکثیر

از: دبیر خانه حزب سوسیالیست انقلابی ایران

به :احزاب و نیروهای اپوزسیون مترقی ، سوسیالیست، کارگری، سکولار و آزادیخواه

با سلام و درودهای انقلابی !

همچنانکه کم و بیش در جریان بودید، به اطلاع میرسانیم که پروسه تشکیل یک حزب سیاسی سوسیالیستی و انقلابی در ایران خوشبختانه با موفقیت به سرآنجام رسید. بدین ترتیب "حزب سوسیالیست انقلابی ایران" در روز ۲۸ مرداد ۱۳۹۶- ۱۹ اگوست ۲۰۱۷ اعلام موجودیت کرد.

ضمن تشکر فراوان از انعکاس خبر تشکیل حزب سوسیالیست انقلابی در رسانه های خود، به اطلاع می رسانیم که حزب سوسیالیست انقلابی خواهان همکاری و داشتن رابطه سیاسی متکی به یک سیاست شفاف، هم نقد و هم دیالوک، با کلیه نیروهای اپوزسیون سرنگونی طلب مترقی، سوسیالیست و سکولار و آزادیخواه در جهت گسترش مبارزه علیه رژیم فاشیست اسلامی و دستیابی به یک جامعه آزاد، برابر، مرفه، سوسیالیستی، سکولار و غیر قومی و غیر مذهبی است. حزب ما قاطعانه مخالف سیاستهای ضد مردمی مبنی بر ایجاد کشمکش سیاسی- اجتماعی بر حسب ملیت و یا مذهب و تبلیغات ناسیونالیستی و شوینیستی و برتری طلبانه علیه کارگران و شهروندان در جامعه است.

حزب ما مخالف جدی آن دسته از نیروهای هست که در شکل دیگری خواهان باز گرداندن روئیای "شاه" یا در فکر تخیلات غیر ممکن ، از نوع "نظام اسلامی دمکراتیک"، هستند. ما همچنین از سناریوهای تحمیلی ضد انسانی مانند جنگ ویرانگر داخلی و قومی و مذهبی و ارتجاعی مشابه عراق و سوریه و غیره به شدت منزجر هستیم و با نیروهای حامی چنین سناریویهای که قصد تکرار آنرا در ایران دارند نه تنها همکاری نخواهیم کرد که به شدت علیه آنها خواهیم ایستاد.

حزب سوسیالیست انقلابی تنها به شکل سرنگونی که متکی به خیزش توده ای-انقلابی کارگران و مردم آزادیخواه، و سازماندهی قهرانقلابی علیه کلیت جمهوری فاشیست اسلامی، با پرچم آزادیخواهانه و سوسیالیستی، و بدون هیچ اتکای به سیاستهای رژیم چنج و دخالت دولتهای ثالث از جمله دخالت ضد آزادیخواهانه ی دولت امریکا و دیگر دول غربی در تحولات سیاسی ایران معتقد میباشد. حزب ما بر ضرورت سرنگونی فوری رژیم جانی اسلامی و استقرار یک نظام سوسیالیستی در ایران تاکید می کند.

جهت کسب اطلاع بیشتراز سیاستهای روشن حزب ما لطفا به اسناد ضمیمه در نشریه شماره دوازدهم "سوسیالیسم امروز" مراجعه کنید.

ما امیدواریم در جهت تامین اهداف مبرم آزادیخواهانه وانسانی و درجهت تسریع در امر سرنگونی رژیم تروریست اسلامی ایران، راههای برای شروع همکارهای مشخص و موردی، از جمله تعهد مشترک حول موارد اساسی که به نفع تداوم مبارزه ازادیخواهانه ،امنیت جامعه، و تامین آینده آزاد و برابر در دوره بعداز نابودی جمهوری اسلامی را تقویت کند، برای طرفین ممکن گردد.

شما میتوانید از طریق ادرس مایل زیر با دبیرخانه حزب و همچنین با شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران تماس حاصل نمایید.

با احترام!

دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی ایران
iransocialist2017@gmail.com
www.simroz.org
سوم شهریور ۱۳۹۶
۲۵ اگوست ۲۰۱۷

iransocialist2017@gmail.com | www.simroz.org
۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰

نشریه شنبه ها منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه"سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار مقالات در نشریه سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ٤ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خودرا لطفا به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیما به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظورسرنگونی جمهوری جنایتکار اسلام کمک فوری خواهد کرد.

اخراج و بیکارسازی موقوف!